

بسم الله الرحمن الرحيم

حکم شرعی اعتراض های مردمی
با توجه به امر به معروف و نهی از منکر

مؤلف:

احسان حجت دوست

سرشناسه	: حجت دوست، احسان، ۱۳۷۰-
عنوان و نام پدیدآور	: حکم شرعی اعتراض‌های مردمی با توجه به امر به معروف و نهی از منکر / مولفان احسان حجت دوست.
مشخصات نشر	: قم: قلم‌خانه، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۴ ص.
شابک	: 978-622-98256-6-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۱۵]-۲۳۴.
موضوع	: امر به معروف و نهی از منکر -- جنبه‌های سیاسی
موضوع	: -- Political aspects * Enjoining what is good and prohibiting what is evil
موضوع	: اعتراض‌های سیاسی
موضوع	: Diplomatic protests
موضوع	: شورش‌ها
موضوع	: Riots
رده بندی کنگره	: ۴/۲۲۶BP
رده بندی دیویی	: ۳۷۷۵/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۹۲۹۲۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

www.ketab.ir



حکم شرعی اعتراض‌های مردمی با توجه به امر به معروف و نهی از منکر

نویسنده: احسان حجت دوست

انتشارات: قلم‌خانه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۲۵۶-۶-۲

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰

قیمت: ۵۰,۰۰۰ تومان

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شماره ناشر: ۹۱۲۷۴۸۹۸۳۲

© حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه	۶
بخش اول: تعاریف، کلیات	۱۵
فصل اول: تعاریف	۱۶
فصل دوم: کلیات	۲۶
بخش دوم: مبانی اعتراض از نظر اسلام و فقه اسلامی و تجلی اعتراض به عنوان امر به معروف و نهی از منکر	۵۵
فصل اول: مبانی اعتراض از نظر اسلام و فقه اسلامی	۵۶
فصل دوم: تجلی اعتراض به عنوان امر به معروف و نهی از منکر	۱۳۹
بخش سوم: مصداق بودن اعتراض های مردمی به عنوان امر به معروف و نهی از منکر و ادله و مستندات شرعی دال بر مشروع و نامشروع بودن اعتراضات مردمی با توجه به امر به معروف و نهی از منکر	۱۶۵
فصل اول: ادله مصداق بودن اعتراض های مشروع مردمی به عنوان امر به معروف و نهی از منکر ...	۱۶۶
فصل دوم: ادله و مستندات شرعی دال بر مشروع و نامشروع بودن اعتراضات مردمی با توجه به امر به معروف و نهی از منکر	۱۸۳
نتیجه گیری	۲۱۱
پیشنهادهات	۲۱۳
منابع و مأخذ	۲۱۵

مقدمه

ذهن بشر همواره درگیر شناخت ابعاد و زوایای موضوعات مختلفی هم چون قدرت سیاسی، حاکمیت و ... بوده است. عده‌ای در پی یافتن پاسخی به این سؤال بوده اند که چه کسی باید حکومت کند؟ و قدرت و حاکمیت جامعه در اختیار چگونه شخصی باید باشد؟ گروهی هم با یادآوری تجربه‌های بشری درصدد بوده اند که در کنار جواب دادن به این سؤال، به پرسش چگونه باید حکومت کرد؟ پاسخ گویند. به عبارت دیگر اگر روزی بین افراد يك جامعه توافق و وحدت نظری در انتخاب حاکم، با ویژگی‌های مشخصی صورت پذیرد هم چنان جای این پرسش باقی است که ساختار مطلوب برای حکومت کردن که کارایی و سلامت کافی نیز داشته باشد کدام است؟ در تاریخ کمتر دیده شده که جامعه‌ای در اختیار حاکمان صالح قرار گرفته باشد و آن‌ها جامعه را بر طبق عقل و درایت و رعایت صلاح و مصلحت عمومی اداره کرده باشند. حتی آن‌هایی که با انگیزه‌های پاک انسانی و اخلاقی وارد عرصه سیاست و کسب قدرت سیاسی شدند در بسیاری از موارد رخت پرهیزگاری را از تن بیرون آوردند و برای حفظ و توسعه قدرت خویش به انواع امور نامشروع و غیرصحيح متوسل شدند. در این تحقیق با بررسی اجمالی نظریات گروهی از فقیهان متقدم و متأخر مذهب شیعه نسبت به جایز بودن یا نبودن اعتراضات مردم نسبت به حاکمیت پرداخته شده است. همچنین حدود و مرزهای مشروع بودن و یا نامشروع بودن اعتراض‌های مردمی را از منظر ادله اربعه مورد بررسی قرار داده ایم تا با توجه به این حدود و مبانی، مردم هم به حد و مرز حق خود به طور دقیق آگاه شوند و هم این که بتوانند اعتراضی را در چارچوب شرع و به صورت مسالمت آمیز جهت کمال ورشد جامعه و همچنین پیشگیری از فساد زمامداران انجام دهند. در این بحث فرض ما این است که اگر حق اعتراض را برای مردم جامعه جایز ندانیم هم موجب انزوا و عدم تکامل جامعه می‌شود و از طرف دیگر موجبات فساد حاکم و جامعه

رافراهم می‌آورد. فرضیه ما در این جا براین استوار است که این اعتراضات مردمی از جهت امر به معروف و نهی از منکر با توجه به اوصاف و شرایط زمان و مکان، به مشروع و نامشروع تقسیم می‌شود و مردم جامعه را در بعضی شرایط مکلف به اعتراض کردن یا اعتراض نکردن می‌کند.

بیان مساله

حکومت اسلامی نیز با توجه به این که نسبت به جایگاه مردم در عرصه سیاسی، رویکردی مثبت داشته و به نقش فعال آنان اعتراف دارد، نمی‌تواند حقوق و آزادی‌های سیاسی شهروندان را نادیده انگارد؛ چرا که علاوه بر اقتضای ویژگی مردم سالاری، فقه سیاسی اسلام نیز که تعیین کننده اصول، مبانی و چارچوب‌های روابط دولت و ملت است در زمینه شناسایی حقوق و آزادی‌های مردم، موضع شفاف و صریح دارد. اما پیش از ورود به بحث و پرداختن به ابعاد و زوایای آن، ذکر این نکات لازم می‌نماید:

انتقاد و اعتراض به هر شیوه‌ای صورت گیرد، گونه‌ای پیکار سیاسی است که به منظور تأثیرگذاری بر قدرت انجام می‌گیرد. از این رو، در کلیه حکومت‌ها؛ اعم از دموکراسی و غیر آن، پیکار سیاسی علنی، محدود است.

بر اساس مشروعیت نظام سیاسی، با هرگونه خاستگاهی، هر نوع انتقاد یا اعتراض به عنوان مبارزه در حکومت تلقی می‌شود و آشکار است که چنین مبارزه‌ای ضمن این که شکلی از پیکار سیاسی است، راهی برای رسیدن به همگونی می‌باشد؛ زیرا در درون آن، توافق در باب اصول سیاسی جامعه و نهادهایی که این اصول را اعمال می‌کنند، نهفته است.

یکی از خاستگاه‌ها و مبانی انتقادورزی و اعتراض پیشگی، نسبت به تخلفات و کج روی‌های حاکمیت در نظام اسلامی، عنصر امر به معروف و نهی از منکر است که نظارت همگانی را در جامعه اسلامی تحقق می‌بخشد. شریعت اسلامی، نظارت همگانی را در اصل استوار امر به معروف و نهی از منکر گنجانده و آن را در شمار احکام ضروری و واجب فقهی قرار داده است و به این ترتیب، آنچه که در نظام‌های بشری، حق صرف خوانده می‌شود، در نظام اسلامی، صیغه تکلیفی هم دارد و این امر، گویای توجه شریعت اسلامی نسبت به سرنوشت جامعه و اهتمام به حفظ سلامت و امنیت آن است.

قرآن مجید، ضمن این که طی آیات متعدد و موارد مختلف، امر به معروف و نهی از منکر را در کنار

اقامه نماز و پرداخت زکات یا به دنبال ایمان به خدا و روز قیامت یا به عنوان یکی از خصایص برجسته رسول اکرم ﷺ یاد می‌نماید و اهمیت ویژه‌ای به آن می‌بخشد، در موردی با صراحت به امت اسلامی دستور می‌دهد: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» مطابق این آیه کریمه، همواره باید گروهی از مؤمنان، مشغول دعوت به خیر و انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر باشند. و در جای دیگر، هر چند با گزاره خبری، شاخصه بارز و دلیل برتری امت اسلامی را، در اجرا و احیای امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...»^۱. بر اساس این کریمه قرآنی، مسلمین، بهترین امتی‌اند که به سبب انجام امر به معروف و نهی از منکر، به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند. بر اساس نگرش اسلامی، یکی از پایه‌های مدیریت و سیاست اجتماع، نصیحت و خیرخواهی متقابل حکومت و مردم نسبت به همدیگر است و جالب تر این که در فقه سیاسی اسلام، کفه نصیحت به نفع مردم، نسبت به زمامداران، سنگین تر است؛ یعنی مردم به دلیل این که اعمال و رفتار زمامداران را می‌بینند و عملکرد دولت در دید آنان صورت می‌گیرد و لذا از هر بی طرف و ناقد منصفی به شمار می‌روند؛ از این رو، در مقام ارزیابی اعمال حکومت و در راستای بهبود بخشیدن به مدیریت جامعه و حفظ انتظام آن، نصیحت به ائمه مسلمین، یکی از وظایف امت و یکی از شیوه‌های مطلوب و مؤثر برای گوشزد نمودن خطاهای زمامداران و رفع نواقص دولت دانسته شده است.

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

«ثَلَاثٌ لَا يَغْلُ عَلَيْهِمْ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ، وَالتَّصِيحَةُ لِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ، وَالزُّرُومُ لِمَجَاعَتِهِمْ»^۲

در این حدیث شریف، نصیحت به پیشوایان جامعه اسلامی، از جمله اموری بیان شده که هیچ گاه، یک مسلمان، نسبت به آن موضع منفی و بدبینانه نمی‌گیرد و همواره به آن پایبند است و اهمیت می‌دهد. از آن جا که قدرت، انسان را به سمت استبداد و خودرأیی می‌کشاند و هر آنچه گستره قدرت،

۱. (آل عمران/۱۰۴).

۲. آل عمران/۱۱۰.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، «الکافی»، ج ۱، ص ۲۲۳ (سه چیز است که کینه آن‌ها در دل مؤمن جای نمی‌گیرد: اخلاص در کارها برای خداوند، خیرخواهی برای پیشوایان مسلمان و پایبندی به جامعه اسلامی).

وسیع تر باشد، احتمال استبداد و خودکامگی هم فزون تر می شود و اگر این پدیده را در گونه سیاسی آن مورد مطالعه قرار دهیم، تاریخ جوامع بشری، حکایت ها و روایت های بسیاری در زمینه استبداد شاهان و حکمرانان بازگو می نماید. از این رو، به منظور مهار قدرت و جلوگیری قدرتمندان از سوء استفاده از آن و برای کاستن از گرایش های خودمحوارانه و خودخواهانه زمامداران، لازم است فضای مطلوبی جهت طرح انتقادات و اعتراضات معقول و منطقی فراهم شود و اگر در جامعه ای از انتقاد سازنده، جلوگیری شود، حکومت به دیکتاتوری کشیده می شود و در واقع، منع نقد، زمینه را برای استبداد و ذبح آزادی، آماده می سازد و چه بسا این وضعیت خفقان آور، انفجار بزرگی را در جامعه به وجود می آورد.

براساس منابع فقهی و سیره مسلمین در هر دو سطح رهبری و جامعه به این نتیجه می رسیم که اعتراض با فرض تأثیرگذاری و با همان شاخصه ها و مؤلفه ها، تنها با تحقق اصلاحات لازم و تأمین خواست و حقوق از دست رفته معترضان، متوقف می شود، حتی اگر عزل و استعفای حاکم را به همراه داشته باشد. مگر این که مسیر اعتراض به بیراهه کشیده شده و ملعبه دست سیاست بازان و مغرضان واقع شود که در این فرض، توقف اعتراض، اولویت و بلکه ضرورت دارد. به عبارت دیگر، شناخت حدود و دامنه اعتراض، ایجاب می کند که اعتراض با نقش اصلاحی و سازنده، نباید با خشونت و توطئه، در هم آمیزد؛ زیرا خشونت، علی رغم توان بازدارندگی به دلیل عدم طایفه مندی، بحران را و تنش آفرین است. در حالی که اعتراض در ذات خود از این پدیده ها خالی می باشند. خشونت در واقع، به عنوان یک حرکت افراطی و خارج از قاعده و در تقابل با نظم جامعه، بی-نظمی و اغتشاش و به کارگیری زور برای وا داشتن دیگری و نفی اختیار و حتی محو شخصیت فیزیکی او است. به بیان دیگر، خشونت، نوعی زور یا قدرت است که با تحمیل خود بر سایر پدیده ها، حدود قدرت آن ها را مشخص و از اعمال قدرت آن ها جلوگیری می کند و یا در مواردی، می تواند قدرتی را بیافریند؛ یعنی خشونت از دو جهت، صورت می گیرد؛ از یک سو به عنوان یک کنش؛ یعنی نیرویی در جهت محدود نمودن میل و اراده و آزادی و از طرف دیگر، به عنوان یک واکنش نسبت به همان محدودیت ها. به همین ملاحظه، خشونت، لازمه زندگی و به لحاظ زیست شناختی، بخش تفکیک ناپذیر مکانیسم های حیاتی انسان ها به شمار می رود. زیرا هر یک از افراد در روابط اجتماعی شان دارای نقش های متفاوتند که هر کدام،

موجب پدید آمدن حوزه‌های گوناگون قدرت می‌شوند و طبعاً اعمال قدرت، مستلزم خشونت است. به ویژه اگر اعمال قدرت همراه با عدم تحمل دیگری یا عدم تحمل عقاید و گرایش‌های فکری دیگران و یا روا نداشتن وجود آرا و عقاید مختلف در درون یک نظم سیاسی و اجتماعی باشد. به همین دلیل، حذف کامل خشونت، یک تصور عاری از حقیقت و یک پندار محض است. چنان که در متمدن‌ترین، متشکل‌ترین و دموکراتیک‌ترین جامعه نیز آثار خشونت دیده می‌شود و حداقل این که خود دولت به آن تکیه دارد. و می‌کوشد با استفاده از آن، از خشونت‌های بزرگ‌تر و وحشتناک‌تر جلوگیری نماید. لذا هیچ اجتماعی به خصوص از نوع سیاسی، نمی‌تواند بدون آن به کار خود ادامه دهد. اما سعی سیاست بر تعدیل و تقلیل و یا ضابطه مند نمودن خشونت است. بنابراین، کاربرد خشونت به عنوان یک عامل بازدارنده، تنها در چارچوب قانون به منظور جلوگیری از خشونت بزرگ‌تر و یا در برابر خشونت غیرقانونی به منظور دفاع مشروع، پذیرفته و معقول است. پس می‌توان نتیجه گرفت که در مواردی، ممکن است اعتراض به اعمال خشونت بینجامد و آن در صورتی است که روند عادی طرح اعتراض به نتیجه نرسد و دولتمردان به خواست‌ها و نظرات مردم توجه ننمایند. در واقع، توسل به خشونت از سوی مردم، واکنش منفی نسبت به بی توجهی دولت و زمامداران در قبال اعتراض به شمار می‌آید و زمانی توجیه پذیر است که هیچ یک از شیوه‌های اعتراضی اثر بخش نباشد.

پیشینه

محمدی، عبدالعلی، (۱۳۹۶)، در مقاله خود در رابطه با نقد پذیری (اعتراض پذیری) حکومت و انتقادورزی جامعه در نگرش دینی مطرح کرده است که با توجه به اعتراض پذیر بودن حکومت در نگاه دینی، اعتراض، از جمله حقوق و آزادی‌های سیاسی مردم و از منظر دینی، تکلیف مؤمنان به منظور اصلاح و بهبود یافتن امور حکومت به شمار می‌رود که بر اساس مبانی منطقی و عقلانی، استوار بوده و از نظر دینی، توجیه پذیر است. نکته مهم در این رابطه، آن است که اعتراض، به مثابه نوعی از پیکار سیاسی؛ با حفظ مشروعیت نظام سیاسی و به عنوان مبارزه در حکومت، و نه مبارزه با حکومت، با هدف ایجاد اصلاحات و در راستای همگونی و همگونگی، صورت می‌گیرد. از این جهت، لازم است در طرح اعتراض، شیوه‌های متفاوت و گونه‌های مختلف آن مد نظر قرار گیرد که با توجه به هدف اصلی، می‌بایست بر اساس مراحل مختلف و به صورت تدریجی انجام پذیرد. علاوه بر آن، اعتراض نسبت به

عملکردها و سیاست‌های دولت، حدود و شرایطی دارد که عدم رعایت آن‌ها ممکن است مسیر سازنده و هدف اصلاح طلبانه انتقاد و اعتراض را منحرف نموده و تغییر دهد. بنابراین، لازم است در طرح اعتراض، آداب و قواعد حاکم بر آن رعایت شود.

محمد تقی جعفری، (۱۳۷۹) در کتاب خود در رابطه با حکمت اصول سیاسی اسلام مطرح کرده است که اعتراض در نظام اسلامی به عنوان یک امر مطلوب و پسندیده، دارای اهمیت و ضرورت بوده و یکی از نیازهای اساسی جامعه و نظام اسلامی است که مبتنی بر خاستگاه‌های دینی و مبانی منطقی بوده و در واقع، لازمه حیات مسئولانه در جامعه اسلامی به شمار می‌رود. از این منظر، جامعه با آن که وظیفه دارد از قدرت مشروع، اطاعت کند، اما در عین حال، قدرت مشروع هم موظف است به روی جامعه گشوده باشد و هر اعتراضی را بشنود و از آن بهره گیرد. باتوجه به این که اعتراض، کارکرد اصلاحی و سازنده دارد و به ویژه، طرح آن علیه نظام سیاسی با توجه به نظم عمومی، منافع ملی و امنیت و مصالح همگانی صورت می‌گیرد، بایسته، آن است همان گونه که در شیوه‌های اعتراض؛ ترتب، تناسب و توازن، لحاظ می‌شود، در فرایند آن نیز همین مسئله، مد نظر قرار گیرد. به این معنا که اگر بتوان نخستین خطا را با تذکر یا اعتراض علنی مستقیم یا با واسطه، اصلاح نمود، اصلاً ضرورتی ندارد که به اقدامات عملی دیگری، هر چند مجاز، متوسل شد و اصلاً فرایند، بدین منظور ترسیم می‌شود که با خطاها و کاستی‌ها، مرحله به مرحله و گام به گام، مبارزه شود و دست یازیدن به مرتبه شدیدتر، در صورتی موجه است که مرتبه قبلی در اصلاح یا جبران خطا مؤثر واقع نشود و آثار آن قانع کننده نباشد. به استناد شواهد تاریخی، آزادی اعتراض در حکومت دینی، تا بدان جا پذیرفته است که می‌توان از آن به منزله اهرم فشار قوی، علیه انحرافات و کجروی‌های حکومت استفاده کرد و با طرح انتقادات و راه انداختن اعتراضات نسبتاً وسیع و گسترده، از خودسری‌ها و سوء استفاده‌های زمامداران، جلوگیری کرد.

سید عبدالقیوم سجادی، (۱۳۸۸)، در کتاب خود در رابطه با مبانی تحزب در اندیشه سیاسی اسلام مطرح کرده است که اعتراض، ضمن این که کاربرد اساسی و ارزنده در تصحیح عملکرد حکومت و حاکمان دارد و از این طریق، نقش مهم و تعیین کننده در اصلاح امور سیاسی و اجتماعی ایفا می‌نماید، مستلزم علم و آگاهی نسبت به موضوعات و مسائل کشور و جامعه است و اگر همراه با حسن

نیت، واقع نگری، موقعیت شناسی و مصلحت سنجی و با زبان نرم و ملایم، مطرح شود، ابزار سازنده و مؤثری خواهد بود که همواره خیر و صلاح را در پی خواهد داشت. در مورد امریه معروف و نهی ازنمکر تحقیقات و پژوهش های فراوانی انجام شده است. اما در مورد بحث اعتراض های مردمی که بیشتر وجهه حقوقی دارد کمتر مورد توجه قرار گرفته است و تحقیقاتی هم به صورت پراکنده انجام گرفته است. اما موضوع انتخاب شده رساله مذکور تحت عنوان حکم شرعی اعتراض های مردمی باتوجه به امریه معروف و نهی ازنمکر تاکنون تحقیق جامع و کاملی در این موضوع انجام نگرفته است و در این رساله ابتدا سعی بر اثبات اعتراض های مردمی تحت عنوان یکی از مصادیق امریه معروف و نهی ازنمکر می شود. همچنین خصوصیات و اشتراکات بین این دو را بیان می کنیم. موارد جواز حکم شرعی و عدم جواز حکم شرعی اعتراض های مردمی را در حاکمیت اسلامی از جهت امریه معروف و نهی ازنمکر مورد بررسی قرار می دهیم. سعی شده است که همه ی این موارد مهم در این پژوهش به صورت یکجا آورده شود در صورتی که در تحقیقات دیگر غالباً به صورت جدا و پراکنده به این موارد پرداخته شده است.

ساختار کتاب

این کتاب از سه بخش و هر بخش آن دارای دو فصل است. در بخش اول، ابتدا به مفاهیم و کلیات مباحث مهم مورد بحث پرداخته شده است. در فصل اول از این بخش، مفاهیم و تعاریف واژگان مهم و اصلی مورد بحث بیان شده است تا مخاطب شناخت اجمالی با این اصطلاحات ذکر شده را داشته باشد و به راحتی بتواند آن ها را از هم تشخیص و تمییز دهد. در فصل دوم از این بخش به صورت کلی به مباحثی از قبیل: ویژگی های اعتراضات مشروع مردمی، آثار نامطلوب عدم تمییز اعتراض مشروع از نامشروع، عوامل جامعه شناختی مرتبط با میزان اهمیت به امریه معروف و نهی ازنمکر، فرهنگ صحیح اعتراضات مردمی، امریه معروف و نهی ازنمکر در حوزه اعتراض و ادله عقلی بر حق بودن اعتراضات مشروع پرداخته شده است، تا پاسخ سوالاتی مانند: تفکیک بین اعتراض مشروع از نامشروع، و این که چه فواید و آثاری در جامعه دارد؟ یا این که برنامه حاکمیت برای کنترل صحیح اعتراض های مردمی به چه نحوی است؟ روشن شود.

در فصل اول و دوم از بخش دوم این پژوهش، یکی به مبانی مشروعیت یا عدم مشروعیت اعتراضات مردمی از جهت نقل و عقل پرداخته شده است، و دیگری به جایگاه اعتراضات مردمی از جهت امریه

معروف ونهی از منکر با توجه به شرایط مختلف جامعه پرداخته شده است. در واقع برای این که حکم شرعی اعتراض‌های مردمی از جهت امر به معروف ونهی از منکر روشن شود دانستن چنین مطالبی لازم می‌باشد.

در بخش سوم به مواردی که می‌توان اعتراضات مردمی را به سبب آن‌ها به عنوان امر به معروف ونهی از منکر دانست پرداخته شده است و جهت تطبیق آن‌ها بر اعتراضات مردمی بیان شده است و در آخر ادله شرعی که حدود و مرزهای اعتراضات مردمی را از جهت مشروع و نامشروع بودن مشخص می‌کند، بیان شده است.

در نتیجه، افراد جامعه برای این که بتوانند از طریق نظارت بر زمامداران جامعه جهت جلوگیری از سوءمدیریت آنان و همچنین کمک و مشورت دادن به آنان، جهت کمال و پیشرفت جامعه خودشان، نیاز است که حدود و مرزهای اعتراضات مشروع و نامشروع را به درستی بدانند تا به درستی بتوانند از این حق و تکلیف استفاده نمایند و به حقوق خودشان دست برسند.